

عنوان مقاله:

مبانی نظری و جایگاه نیروی نظامی و انتظامی در اندیشه های متفکران اسلامی تا پایان عهد صفوی

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی، دوره 6، شماره 20 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسنده:

خلاصه مقاله:

حمایت از موجودیت یک جامعه و حکومت و همچنین حفظ دستاوردهای یک ملت، همیشه نیاز به نیروی نظامی و انتظامی را ضروری ساخته است. نیروهای نظامی و انتظامی در شکل گیری و تداوم حکومت ها نقش اساسی داشته اند. پس در هر جامعه ای، نیروهای نظامی و انتظامی حافظ حکومت در برابر آشوب های داخلی و تهاجمات بیگانه بوده اند. شناخت و تحلیل مبانی و جایگاه این نیروها به مفهوم آگاهی یافتن از بخشی از هویت یک جامعه است. کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. به ویژه آن که ایران در موقعیت جغرافیایی خاصی قرار گرفته است که به واسطه آن، بارها آماج هجوم های مختلف گردیده است. این موقعیت جغرافیایی، اهمیت نیروهای نظامی و انتظامی را در ایران دوچندان ساخته است. بر اساس همین اهمیت، متفکران و اندیشمندان از عالمان و دیوان سالاران ایرانی و اسلامی به مبانی این نیروها و جنبه های مختلف آن در آثار خود توجه خاصی داشته اند. سوال اساسی این پژوهش آن است که جایگاه نیروهای نظامی و انتظامی در اندیشه های اسلامی چگونه تبلور یافته است؟ به نظر می رسد که اهمیت مسئله جهاد و غزا و بهره گیری این اندیشمندان از پشتوانه های نظری ایران باستان و همچنین آیات قرآن و روایات اسلامی باعث شد که مبانی نظری نیروهای نظامی و انتظامی در آثار آن ها جایگاه ویژه ای به خود اختصاص دهد. از سوی دیگر، توجه به مسائلی مانند مرزداری، اجرای حدود و احکام الهی و هم چنین حفظ جایگاه و کیان خلافت نیز باعث توجه به مبانی این نیروها شده است. یافته های این پژوهش بیانگر آن است که عالمان و دیوان سالاران ایرانی در آثار خود، با توجه به مبانی ذکر شده و اوضاع سیاسی هر دوره، توجه خاصی به نیروهای نظامی و به ویژه انتظامی داشته اند و وجود آن ها را از ضروریات حکومت و جامعه برشمرده اند. این پژوهش کوششی جهت تبیین مبانی نظری نیروهای نظامی و انتظامی در اندیشه های این متفکران است که با روش تحلیلی توصیفی به این نظریات پرداخته شده است.

کلمات کلیدی:

مبانی نظری، متفکران، نیروی نظامی، نیروی انتظامی، ایران

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1963244>

